

## نقدی بر نوشته‌های گزنفون؛

# آناپاسیس و کورس نامه

● دکتر سید حسن موسوی

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

متأسفانه کورس نامه تاریخ نیست و داستان است. این که آیا در کتاب مزبور حقایق تاریخی نیز وجود دارد و چگونه می‌توان سره را از ناسره جدا کرد، خود مربوط به دشوارترین بخش‌های منبع‌شناسی عهدباستان است. ۵ ای. م. - تروتسکی درباره کتاب کورس نامه چنین می‌نویسد: این کتاب ظاهراً به تاریخ شبیه است و مولف در زمینه سیاست و اخلاق به فلسفه بافی پرداخته و آن را به صورت داستانی، مدون کرده است. داستانی درباره زندگی و افعال کورس، بانی سلطنت پارس. مفهوم «تاریخ» در عهد باستان چندان وسیع بود که می‌توانست این تالیفات را هم در برگیرد و حال آن که اکنون ما اثر مزبور را جزء رمان‌های تاریخی و اخلاقی محسوب می‌داریم نه تاریخ، مثلاً به رغم حقیقت تاریخی، در این کتاب کورس فاتح مصر قلمداد شده و به مرگ طبیعی در میان فرزندان و دوستان خویش می‌میرد و همچون سقراط به آنان هنگام تودیع، اخلاق می‌آموزد، در تصویر کورس سجایای سقراط و آگسیلا نیز تلفیق شده است. ۶ کورس نامه نمودار بارزی از گرایش گزنفون به

بنابراین بازگشت ده هزار نفر یا لشکرکشی ده هزار نفر عنوان یک کتاب است که برخی اشتباهاً آن را دو کتاب جداگانه پنداشته‌اند. مقدمه و متن ترجمه کتاب بازگشت ده هزار نفری که به وسیله آقای وحید مازندرانی صورت گرفته از نسخه انگلیسی است که بوسیله بنگاه لوب (Lob)، ناشر معروف آثار کلاسیک در سال ۱۹۲۶ میلادی در انگلستان انتشار یافت. به هر حال بنا بر اظهار نظر تمام نویسندگان، این کتاب گزنفون از نظر روایتیان مهمترین اثر ۴ او و به دلیل این که مولف خود شاهد جریان بوده دارای ارزش عینی است.

کتاب دیگر گزنفون، کورس نامه یا تربیت کورس (سیروپدی (Kurou - Paidia) است. این کتاب داستانی است اخلاقی به شکل تاریخ کورس، شاه پارس که به ویژه از سال‌های جوانی وی از آن زمان که یکی از نزدیکان شاه ماد بوده بحث می‌کند. البته کورس نامه صمکن بود درباره تاریخ ماد و هخامنشی منبعی بی نظیر باشد ولی به شرطی که ما به اندازه‌ای که نسبت به کتاب بازگشت ده هزار نفری اعتماد داریم به آن کتاب نیز اعتماد داشته باشیم.

**مفهوم «تاریخ» در عهد باستان چندان وسیع بود که می‌توانست این تالیفات (کورس نامه) را هم در برگیرد و حال آنکه اکنون ما اثر مزبور را جزء رمان‌های تاریخی و اخلاقی محسوب می‌داریم نه تاریخ.**

**کورس نامه چندان ارزش تاریخی ندارد زیرا وقایع تاریخی در این اثر یا تحریف شده‌اند و یا به منظور اندرزگویی و تعلیم اخلاقیات جعل شده است، اما این کتاب از لحاظ تاریخ و فرهنگ و وضع زندگی مردم ایران آن زمان، منبع درجه اولی محسوب می‌گردد.**

نوشته‌های مورخان یونانی از جمله اسنادی هستند که از آنها می‌توان جهت آگاهی از وقایع تاریخی دوره هخامنشیان بهره جست. اما هر ماخذ تاریخی بایستی در ترازوی نقد و بررسی قرار گرفته تا میزان صحت و سقم مطالب آن مشخص و اطلاعات صحیح و ناصحیح از یکدیگر تفکیک گردد. در این پژوهش سعی بر این است که دو کتاب آناپاسیس و کورس نامه که به گوشه‌هایی از تاریخ دوره هخامنشیان پرداخته‌اند مورد نقد و بررسی و مقایسه قرار گیرند.

**گزنفون** در حدود سال ۴۳۰ قبل از میلاد در خاندانی نسبتاً اشرافی آتن به دنیا آمد. وی در جوانی با افلاطون، شاگرد سقراط، فیلسوف ایده‌آلیست، هم‌نشین بود و از نظر سیاسی طرفدار سازمان اشرافی اسپارت به شمار می‌رفت. گزنفون در آتن دموکرات که سال‌ها با اسپارت در جنگ بود احساس ناراحتی می‌کرد. ظاهراً وی به علل سیاسی در سال ۴۱۰ (ق. م.) پس از شکست قطعی که در سال ۴۰۴ (ق. م.) اسپارت به آتن وارد آورد ناچار آتن را ترک و به پیشنهاد یکی از دوستانش به دربار کورس کوچک و برادر اردشیر دوم - ممنون - پادشاه ایران رفت. کورس در آن زمان ساتراپ (شهر) آسیای صغیر بود و پنهانی برای جنگ با پادشاه ایران به گردآوری سپاه سرگرم بود. وی به گروهی از اشراف ایرانی متکی بود که فروپاشی رژیم هخامنشی را به رای‌العین مشاهده می‌کردند و احتمالاً می‌کوشید تا با اتکاء به دستگاه برده داری بزرگ باستانی در حکومت اصلاحاتی به عمل آورد که می‌توان گفت از این رهگذر کورس کوچک سلف ناکام اسکندر مقدونی بوده است.<sup>۱</sup>

گزنفون در لشکرکشی کورس در سال ۴۰۱ (ق. م.) علیه اردشیر دوم شرکت کرد، چون کورس در نبرد «کوناکس» در بابل کشته شد و لشکریان او پراکنده شدند. ایرانیان، فرماندهان یونانی را دستگیر و اعدام کردند به همین دلیل سربازان مزدور یونانی که در سپاه کورس بودند، هزاران کیلومتر دور از میهن خویش در کشوری ناشناس و در قلب دشمن تنها ماندند. گزنفون در رهبری برگشت آنان فعالانه شرکت کرد. یونانیان موفق شدند از آسیای مقدم و آشور و ارمنستان گذشته به کرانه دریای سیاه برسند. قریب نیمی از آنان بعدها به لشکر آگسیلا شاه اسپارت که در آن زمان در غرب آسیای صغیر با ایرانیان در جنگ بود، پیوستند و گزنفون نیز به زیر فرمان آگسیلا درآمد. این اقدام در آتن خیانت تلقی گردید و گزنفون از حق تابعیت آتن محروم و از آن شهررانده شد. پس از آن وی در خدمت اسپارت باقی ماند و حتی علیه میهن پیشین خویش پیکار کرد. سرانجام در سال ۳۸۰ (ق. م.) دولت اسپارت ملکی به وی داد و گزنفون در آن ملک یادداشت‌های خود را به رشته تحریر درآورد.<sup>۲</sup>

**تالیفات تاریخی و یا نیمه تاریخی گزنفون:**  
مهمترین تالیفات گزنفون درباره ایران یکی کورس نامه (سیروپدی) و دیگری آناپاسیس (لشکرکشی ده هزار نفر) است که شرح لشکرکشی سربازان مزدوریونانی به اتفاق کورس کوچک علیه اردشیر دوم تا بابل و عقب‌نشینی آنان پس از کشته شدن کورس از بابل تا دریای سیاه می‌باشد.<sup>۳</sup>

در قرن نوزدهم یکی از مترجمان انگلیسی عنوان «بازگشت ده هزار نفر» را بر این کتاب گذاشت و چنین استناد کرد که چون مرحله بعدی این ماجرا از پیش درآمدن مهم تر است، عنوان جدید بر نام پیشین برتری دارد.

### لشکرکشی کورس

بازگشت ده هزار نفر

نوشته: گزنفون سردار و مودخ یونانی  
(حدود چهارم قبل از میلاد)

ترجمه: وحید مازندرانی



انتشارات ابن سینا

اندرزگونی بوده و نظرها و عقاید سلطنت خواهی وی را نشان می دهد و انتخاب یک پادشاه مقتدر و شرقی چون قهرمان داستان ، خود گواه بر این است . باید گفت که شخصیت سلطان مقتدری که اتباع و نزدیکان از جان و دل طوق بندگی وی را بر گردن نهند، محبوب گزنفون است . کورش کوچک در آناباسیس و ایسوماخ (isxomx) در کتاب اگنونومیکا (اقتصاد) و آگسیلا در مدح نامه وی و تاریخ یونان همه دارای این صفات هستند. بنا به عقیده گزنفون بزرگترین خصلت نیک این است که آدمی بتواند فرمان برد. بنابراین معلوم است که در مورد وقایع تاریخی نباید دقت و صداقت خاص و فوق العاده ای از کورش نامه انتظار داشت.<sup>۷</sup>

این کتاب بر مشاهدات شخصی گزنفون مبتنی نمی باشد. آناباسیس گرچه سال ها پس از وقوع وقایع نوشته شده اما نقل قول از دیگران نیست بلکه نتیجه مشاهدات شخصی مولف است و ظاهراً از روی یادداشت هایی که وی داشته ، تحریر شده است . اما کورش نامه مربوط به وقایعی است که زمان بسیاری از آن گذشته و مولف فقط از روی منابع مکتوب می توانست در آن باره داوری کند. و روایات شرقی به ظن قوی در اختیار وی نبوده است . شرایط زندگی اردویی تا مرگ کورش کوچک و این که گزنفون همواره جزء سپاهیان یونانی و در حال حرکت بوده<sup>۸</sup>، اجازه نمی داد از نزدیک با پارسیان و مادی ها رابطه داشته باشد و اطلاعات مفصلی درباره تاریخ قدیم آنان به دست آورد و در بخش دوم لشکرکشی که یونانیان با غارت اموال مردم بین راه زندگی کرده ، مورد تعقیب سپاهیان شاه ایران بوده و با شمشیر برای خویش راه نجات می جستند، نیز رسیدن به این منظور کمتر امکان داشت.<sup>۹</sup>

گزنفون به طور کلی از نوشته های هرودت و کتسیاس استفاده کرده است . این موضوع از اشارات فراوان واسامی خاص و مباحثات قلمی که در کورش نامه آمده پیدا است . کتاب مزبور، قهرمانان فراوان دارد و مولف نیز مانند کتسیاس با مشکل مهمی مواجه شد که چه نامی بر آنها گذارد. در اکثر موارد نام های کورش نامه تعدادی اسامی پارسی است که بدون تشخیص از هرودت گرفته شده است . در هر حال در میان اسامی واقعی ایرانی که در کتاب کورش نامه آمده حتی یک نام هم دیده نمی شود که با نام یکی از رجال مذکور در کتاب های هرودت و کتسیاس و یا نام رجال پارسی معاصر گزنفون مشابهت نداشته باشد. وی هر وقت از نظر اسامی پارسی با کمبود روبرو می شده از نام های مردم آسیای صغیر و یا اسامی یونانی نادر و کمیاب استفاده می کرده است.

مطالب مربوط به جغرافیای طبیعی و سیاسی که در کورش نامه آمده نیز دارای نقایصی است ، زیرا یونانیان هنگام لشکرکشی از موقع و محل کشورهای اطراف خویش اطلاعی نداشته و از روی حدس و گمان پیش می رفتند. اگر گزنفون جز از هرودت و کتسیاس از منابع دیگری استفاده می کرد، مسلم مرتکب چنین اشتباهاتی نمی شد.

مثلاً بنا به نوشته گزنفون آشور در زمان استیای و کورش با این که در خاک ماد قدرتی نداشت ولی هیرکانیه (گرگان) را در تصرف داشت و با باخترا (بلخ) متحد بود. به عقیده او هیرکانیه به خاک آشور نزدیکتر از خاک ماد بود. و به گمان او آشور بر سر راه ماد و اراضی کادوسیان (طالاس) و سکانیان قرار داشته وکلدانیان (بابلیان)



## آناباسیس شرح لشکرکشی سربازان مزدور یونانی به اتفاق کورش کوچک علیه اردشیر دوم تا بابل و عقب نشینی آنان پس از کشته شدن کورش از بابل تا دریای سیاه می باشد.

کورش نامه ممکن بود درباره تاریخ ماد و هخامنشی منبعی بی نظیر باشد ولی به شرطی که ما به اندازه ای که نسبت به کتاب بازگشت ده هزار نفری اعتماد داریم به آن کتاب نیز اعتماد داشته باشیم .

بدون واسطه با پادشاه هند ارتباط داشته اند.<sup>۱۰</sup>

گزنفون درباره انتقال قدرت به هخامنشیان نیز دچار اشتباه شده است . آن کورشی که در تاریخ آمده و جد خویش ، استیای را از سلطنت ساقط کرد و در نوشته های هرودت و کتسیاس آمده است برای بازی کردن نقش قهرمان نیکو خصلی که بلندترین آرمان گزنفون به شمار می رفت و در داستان وی مورد نیاز بود، سودی نداشت . به گفته گزنفون استیای در محیط صلح و آرامش ، هنگامی که شاه ماد، در بستر خویش است ، فوت می کند و کورش فتوحات خویش را نه در سمت شاهی بلکه به عنوان سردار کیاکسار هوخستره فرزند استیای ! کسب می کند. کورش سردار سپاه ، افتخارات فراوانی به دست آورده بود که با خضوع تمام نثار پای کیاکسار که پادشاهی حقیر! ولی قانونی است می کند، در عوض پرهیزگاری و فرمانبرداری ، کورش به پادشاه خویش رسیده و هوخستره که پسری نداشت ، دختر خود را به او داده و کورش پادشاهی ایران و نیمی از جهان آن روز را به ارث برد!<sup>۱۱</sup>

در حالی که می دانیم استیای فرزند هوخستره است نه هوخستره فرزند استیای و کورش سلطنت را از جدش استیای با شمشیر می ستاند نه از طریق ارث و واگذاری مسالمت آمیز... بنابراین کورش نامه چندان ارزش تاریخی ندارد زیرا وقایع تاریخی در این اثر یا تحریف شده اند و یا به منظور اندرزگویی و تعلیم اخلاقیات جعل شده است . اما کورش نامه از لحاظ تاریخ و فرهنگ و وضع زندگی ایران آن زمان ، منبع درجه اولی محسوب می گردد.

### فهرست منابع

- ۱- پیرنیا، حسن : ایران باستان ، دنیای کتاب ، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۲
- ۲- دیاکونف : تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام ، ۱۳۵۷، ص ۳۱، ۳۲
- ۳- دیاکونف ، پیشین ، ص ۳۲
- ۴- گیرشمن : ایران از آغاز تا اسلام ، ترجمه معین ، علمی و فرهنگی ، ۱۳۶۴، ص ۲۲۲، ۲۲۳؛ دیاکونف ، پیشین ، ص ۳۱
- ۵- گزنفون : لشکرکشی کورش کوچک ، انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۲، ص ۱۰؛ دیاکونف : تاریخ ایران باستان ، ترجمه روحی ارباب ، ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۶، ص ۱۵
- ۶- دیاکونف ، تاریخ ماد، پیشین ، ص ۳۱
- ۷- همان ، ص ۳۲
- ۸- همان ، ص ۳۷
- ۹- گزنفون جز به زبان یونانی به زبان دیگری آشنا نبوده است .
- ۱۰- دیاکونف ، ماد، ص ۳۴
- ۱۱- همان ، ص ۳۵
- ۱۲- همان ، ص ۳۶